



انتخاب توحیدی

مجموعه فیش‌های سخنرانی
ویژه طلاب و فعالان فرهنگی
با همکاری جمعی از طلاب حوزه علمیه قم



توجه

محتوای حاضر مجموعه یادداشت‌هایی است از سخنرانی‌های علامه مجاهد و بصیر آیت الله مصباح یزدی (ره) که در مناسبت‌های انتخاباتی ایراد شده است. جملات، نقل به مضمون است اما سعی شده در محتوا و سیر بحث، رعایت امانت شده باشد.

بهمن ۱۴۰۲

فهرست

۶	انتخاب توحیدی ۱
۸	انتخاب توحیدی ۲
۱۲	آرمان و واقعیت ۱
۱۵	آرمان و واقعیت ۲
۱۷	آرمان و واقعیت ۳
۲۰	آرمان و واقعیت ۴
۲۲	آرمان و واقعیت ۵
۲۵	ارزش‌های انسانی
۲۷	فرصت طلایی
۲۹	امام احیاگر اسلام ناب
۳۲	مسئولیت پذیری
۳۵	وظایف نخبگان
۳۷	شش معیار اصلی برای کارگزار نظام اسلامی
۳۹	اهمیت انتخابات
۴۱	معیارهای کاندید اصلح
۴۳	شرایط کارگزاران
۴۵	آسیب شناسی رفتار انتخاباتی
۴۷	خطر انحراف
۵۰	راه نجات از انحراف

انتخاب توحیدی ۱

- درباره نقش خدا در آفرینش و نیز جزئی ترین حوادث عالم سه دیدگاه وجود دارد:

۱. همه چیز حتی آفرینش، شانسی است.
۲. خلقت توسط خدا صورت گرفته اما جهان به حال خود رها شده است.
۳. خلقت و تدبیر توسط خدا صورت می گیرد. «كُلَّ يَوْمٍ هُوَ فِي شَأْنٍ».
(الرحمن، ۲۹)

- هر یک از دیدگاههای فوق آثار مخصوص به خود را در زندگی انسان دارد.

- آنها که اعتقادی به خدا ندارند، فقط به تلاش خود متکی هستند.
- اما انسان موحد که خدا را خالق و مالک خود و جهان می داند، برای خدا حق تدبیر تکوینی و تشریحی (امر ونهی) قائل است.
- مراتب اطاعت: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي

الْأَمْرُ مِنْكُمْ» (نساء، ۵۹) یعنی: ما حق نداریم از هر کسی خواستیم، اطاعت کنیم.

- همچنانکه ما حق تعیین پیامبر نداریم، حق تعیین امام هم نداریم؛ بلکه در زمان غیبت نیز جانشین امام، توسط خدا و پیامبر و امام تعیین عام (فرد واجد شرایط) شده است: علم، تقوا (عدالت)، مدیریت.
- وظیفه ما کشف و یافتن نائب الامام و سپس پذیرش ولایت اوست. (این امر از طریق وکالت دادن مردم به خبرگان صورت می پذیرد)
- در کارگزاران و مسئولین نیز وجود همین سه شرط لازم است.
- نقش مردم اهمیت دارد، چون باید تحقیق و انتخاب کنند و به امام امکان و قدرت اجرای احکام می دهند.
- تفاوت ما با سایر جوامع همین است. انتخاب ما در چارچوب اوامر الهی با معیار عقل است. (=مردمسالاری دینی). اما در دیگر کشورها، برای خدا چنین جایگاهی قائل نیستند.

انتخاب توحیدی ۲

- خداوند اصرار دارد که بگوید: «لِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ». (بقره، ۲۸۴) + «وَلِلَّهِ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ» (آل عمران، ۱۸۹) - حکمت‌ها و دلایل:

۱. عامل کنترل میل‌ها و مانع طغیان نفس است: من حق دارم در آنچه مال خودم هست تصرف کنم، ولی عالم مال خداست؛ از جمله خودم. پس باید خدا اجازه تصرف دهد.

۲. مانع از ناامیدی و افسردگی و سرافکنندگی و حزن و اضطراب و افسردگی است: «لِكَيْلَا تَأْسَوْا عَلَىٰ مَا فَاتَكُمْ وَلَا تَفْرَحُوا بِمَا آتَاكُمْ» (حدید، ۲۳) + «وَلَنَبْلُوَنَّكُمْ بِشَيْءٍ مِّنَ الْخَوْفِ وَالْجُوعِ وَنَقْصٍ مِّنَ الْأَمْوَالِ وَالْأَنْفُسِ وَالثَّمَرَاتِ وَبَشِّرِ الصَّابِرِينَ» (بقره، ۱۵۵)

۳. مانع دلبستگی به دنیاست: نمونه: دفاع مقدس و شهدا و والدینی که به شهادت و امانت داری افتخار می‌کردند.

- هستی، ملک خداست، بدون اذن او هیچ اتفاقی نمی‌افتد: «وَمَا

هُمْ بِضَارِّينَ بِهِ مِنْ أَحَدٍ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ» (بقره، ۱۰۲) + «وَمَا كَانَ لِنَفْسٍ أَنْ تُؤْمِنَ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ» (یونس، ۱۰۰) + «مَا أَصَابَ مِنْ مُصِيبَةٍ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ» (تغابن، ۱۱) + «يُخْرِجُهُمْ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ بِإِذْنِهِ» (مائده، ۱۶) + «مَنْ ذَا الَّذِي يَشْفَعُ عِنْدَهُ إِلَّا بِإِذْنِهِ» (بقره، ۲۵۵) + «أَذِنَ لِلَّذِينَ يَقْتُلُونَ بِأَنَّهُمْ ظَلَمُوا» (حج، ۳۹) + «مَا كَانَ لِنَفْسٍ أَنْ تَمُوتَ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ» (آل عمران، ۱۴۵) و...

- فهم مالکیت خدا در علم و عمل، اوج بندگی است: «إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ.» (بقره، ۱۵۶) نمونه: داستان ابراهیم در آتش.

- متن کامل روایت (بحار الأنوار عن ابن شهر آشوب): أمرَ نمرودُ بجمعِ الحطبِ في سوادِ الكوفةِ عند نهرِ كوثا من قريةِ قطنانا و أوقدَ النارَ ، فعجزوا عن رميِ إبراهيمَ ، فعملَ لهم إبليسُ المنجنیقَ فرمى به ، فتلقاهُ جبرئیلُ في الهواءِ فقالَ : هل لك من حاجةٍ ؟ فقالَ : أما إليك فلا ! حسبي اللهُ و نعم الوكيلُ ، فاستقبلهُ ميكائیلُ فقالَ : إن أردتُ أخمدتُ النارَ ، فإنَّ خزائنَ الأمطارِ و المياهِ بيدي ؟ فقالَ : لا أريدُ ! و أتاهُ ملكُ الرِّيحِ فقالَ : لو شئتُ طيرتُ النارَ ! قالَ : لا أريدُ ! فقالَ جبرئیلُ : فاسألِ اللهُ ، فقالَ : حسبي من سؤالي علمهُ بحالي. (بحار الأنوار، ج ۷۰، ص ۱۵۵ و ۱۵۶). یعنی: نمرود دستور داد در اطراف کوفه، نزدیک رود «کوثا» از آبادی قطنانا، هیزم جمع کردند و آتش افروخت. اما [مأموران او] نتوانستند ابراهیم را در آتش بیندازند. ابلیس برای آنان منجنیق ساخت و به وسیله آن



ابراهیم به طرف آتش پرتاب شد. جبرئیل خود را به ابراهیم، که در میان هوا بود، رساند و گفت: آیا حاجتی داری؟ ابراهیم فرمود: به تونه! خداوند مرا بس است و او نیکو حمایتگری است. میکائیل پیش او آمد و گفت: اگر بخواهی آتش را خاموش می کنم؛ زیرا خزانه های باران ها و آب ها در اختیار من است؟ ابراهیم فرمود: نمی خواهم! فرشته باد نزد او آمد و گفت: اگر بخواهی آتش را به هوا می برم! ابراهیم فرمود: نمی خواهم! جبرئیل گفت: پس، از خدا بخواه. ابراهیم گفت: او خود حال مرا می داند و نیازی به سؤال نیست.

- آنگاه خدا فرمود: «قُلْنَا يَا نَارُ كُونِي بَرْدًا وَسَلَامًا عَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ» (انبیاء، ۶۹).

- این همان سرّ آفرینش است که ملائکه نمی دانستند و خدا می دانست: «وَإِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً قَالُوا أَتَجْعَلُ فِيهَا مَنْ يُفْسِدُ فِيهَا وَيَسْفِكُ الدِّمَاءَ وَنَحْنُ نُسَبِّحُ بِحَمْدِكَ وَنُقَدِّسُ لَكَ قَالَ إِنِّي أَعْلَمُ مَا لَا تَعْلَمُونَ» (بقره، ۳۰)

۴. مانع ظلم و ستم به دیگران (طبیعت و حیوان و انسان)؛ چون همه مال خدا هستند.

- خب چرا دیگران ظلم می کنند؟ تا به صبر و اقدام مناسب امتحان شویم.

- حتی اجازه جهاد هم در جنگ و دفاع از خود به دست اوست؛ چون دشمنان هم ملک خدا هستند. اذن که داد می توانیم بجنگیم.

- در قانونگذاری نیز همینطور است: وقتی اهل کتاب حلال و حرام کردند، خدا فرمود: «قُلْ ءَآلَ اللّٰهِ اِذْنَ لَكُمْ اَمَّ عَلٰی اللّٰهِ تَقْتَرُونَ» (یونس، ۱۰) - انسان چکاره است؟ صاحب دارد؛ اما فرهنگ غربی می گوید: هر چه دلمان بخواهد، قانون وضع و رفع می کنیم.

- هر جهانی بی آثار مخصوص به خود دارد؛ دین به ما می گوید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ فَإِن تَنَازَعْتُمْ فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَالرَّسُولِ إِن كُنتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ» (نساء، ۵۹) + «وَمَا كَانَ لِمُؤْمِنٍ وَلَا مُؤْمِنَةٍ إِذَا قَضَى اللَّهُ وَرَسُولُهُ أَمْرًا أَنْ يَكُونَ لَهُمُ الْخِيَرَةُ مِنْ أَمْرِهِمْ وَمَنْ يَعْصِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَقَدْ ضَلَّ ضَلَالًا مُّبِينًا» (احزاب، ۳۶) + «النَّبِيِّ أَوْلَىٰ بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنفُسِهِمْ» (احزاب، ۶).

- اولی الامر یعنی شباهت در علم و تقوا و مدیریت: «فَإِذَا حَكَمَ بِحُكْمِنَا فَلَمْ يَقْبَلْهُ مِنْهُ فَإِنَّمَا اسْتَخَفَّ بِحُكْمِ اللَّهِ وَ عَلَيْنَا رَدُّ وَ الرَّادُّ عَلَيْنَا الرَّادُّ عَلَيَّ اللَّهُ» (کافی، ج ۱، ۵۴).

- مصالح مسلمین به دست ولی امر و ولی فقیه است: خدا به او اجازه داده است و اطاعت از ایشان برای رسیدن به سعادت و کمال، و تأمین آرمان‌ها و مصالح اسلام و مسلمین واجب است.

آرمان و واقعیت ۱

س ۱: چرا خداوند بهترین و محبوبترین شخصیت را با بهترین هدیه و معجزه در سرزمین خشک و بین مردم خشن فرستاد؟

س ۲: اگر خداوند برای اصلاح و هدایت مردمان جهان فرستاد، به هدفش رسید؟

س ۳: آیا برنامه خدا (دین اسلام) ناقص بود یا مدیریت پیامبر نقصی داشت؟

در مورد قرآن: «وَنَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ بَيِّنَاتٍ لِّكُلِّ شَيْءٍ وَهُدًى وَرَحْمَةً وَبُشْرَىٰ لِلْمُسْلِمِينَ» (نحل، ۸۹) + «الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا» (مائده، ۳) + «وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا كَافَّةً لِّلنَّاسِ بَشِيرًا وَنَذِيرًا» (سبا، ۲۸).

در مورد پیامبر: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ» (نساء، ۵۹) + «وَمَنْ يَعِصِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَقَدْ ضَلَّ ضَلَالًا مُّبِينًا» (احزاب، ۳۶).

- جواب: خدا نخواستہ مردم با زور اصلاح شوند و به سعادت برسند؛
وگرنہ فرشتہ می آفرید: «لَوْ يَشَاءُ اللَّهُ لَهَدَى النَّاسَ جَمِيعًا» (رعد، ۳۱) +
«وَلَوْ شَاءَ لَهَدَاكُمْ أَجْمَعِينَ» (نحل، ۹) + «إِنْ نَشَأْ نُزِّلْ عَلَيْهِمْ مِنَ السَّمَاءِ
آيَةً فَظَلَّتْ أَعْنَاقُهُمْ لَهَا خَاضِعِينَ» (شعراء، ۴).

- خداوند موجودی آفریده کہ با اختیار و اراده خودش راه صحیح را برود:
- «قُلِ الْحَقُّ مِنْ رَبِّكُمْ فَمَنْ شَاءَ فَلْيُؤْمِنْ وَمَنْ شَاءَ فَلْيُكْفُرْ» (کهف،
۲۹) + «لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ قَدْ تَبَيَّنَ الرُّشْدُ مِنَ الْغَيِّ» (بقره، ۲۵۶).

- انسان می تواند از یک نطفه به جایی برسد کہ ارزش دارد زمین و ماه
و خورشید برای امکان حیات و رشد او آفریده شود: «هُوَ الَّذِي خَلَقَ لَكُمْ
مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا» (بقره، ۲۹)

- اساس خلقت بر آزمایش است: «الَّذِي خَلَقَ الْمَوْتَ وَالْحَيَاةَ
لِيَبْلُوَكُمْ أَيُّكُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا» (ملک، ۲)

- برای این امر باید زمینہ انتخاب فراهم شود: راه رشد و غیّ + دعوت
و هدایت عقل و پیامبران.

- پس در این هدف، خدا و پیامبر موفق بودند. اما در تحقق آن
اهداف و عمل کردن به هدایت و دستور عقل و پیامبر، مردم مختلف
عمل کرده اند.

- نمونه: تردید در جنگ جمل: امام علی (ع) فرمود: اول شناخت
و معرفت پیدا کن: «إِنَّ الْحَقَّ لَا يُعْرَفُ بِالرِّجَالِ، اعْرِفِ الْحَقَّ تَعْرِفُ



أَهْلَهُ» (مجمع البيان، ج ۱، ص ۲۱۱).

- انتخابات یک امتحان الهی است. شرایطی که انسان می تواند زمینه سعادت و کمال خود و دیگران را فراهم آورد.

- خدا می خواهد انسان به کمال برسد و کمال انسان به رضا و تسلیم خدا شدن است. ما باید به دنبال انجام تکلیف و وظیفه باشیم. خدای عالم نیستیم که هر کاری خواستیم انجام دهیم.

- از پیامبر (ص) سؤالی کردند، فرمود فردا جواب می دهم. آیه نازل شد: «وَلَا تَقُولَنَّ لِشَيْءٍ إِنِّي فَاعِلٌ ذَلِكَ غَدًا إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ وَ اذْكُرْ رَبَّكَ إِذَا نَسِيتَ» (کهف، ۲۳ و ۲۴). به همین دلیل ۴۰ روز وحی بر پیامبر قطع شد. خدا بنده ای می خواهد که همیشه در سراسر زندگی و هر کاری، خدا را مد نظر داشته باشد.

آرمان و واقعیت ۲

- ایده آل و آرمان: آنکه عقل و نقل می گوید؛ یعنی تأمین سعادت و مصالح دنیا و آخرت؛ یعنی کمال انسان.
- شرایط و اقتضانات زمانی و مکانی متفاوت اند، و به همین دلیل نتایج هم متفاوت است. و پیامبران با سنجش شرایط جامعه و افراد، میزان تحقق آرمان‌ها را ارزیابی می کردند.
- نمونه: گاه نزدیکترین یاران پیامبر (ص) و امام (ع) مطیع آنها نبودند که بخواهند راحت عزل و نصب و مدیریت کنند؛ مانند تخلفات زمان امیرالمومنین (ع).
- علت اختلافات و تفاوت‌ها:
- ۱. جهل و تفاوت درجات علمی: «قُلْ رَبِّ زِدْنِي عِلْمًا» (طه، ۱۱۴)
- ۲. دل‌بستگی‌ها: کینه، حسادت، محبت و دل‌بستگی به فرزند و همسر، حب قدرت و مال و...
- به همین دلیل بسیاری از افراد حتی علما، در کارهای اجتماعی



- و سیاسی ورود نمی کردند و فعالیت نداشتند. حتی با رادیو، تلویزیون، روزنامه هم مخالف بودند. چون این افراد به دنبال وحدت نظر و عمل در پیمودن آرمان‌ها بودند، در حالی که عملاً امکان پذیر نیست.
- به دلیل تفاوت در شناخت و گرایش‌ها، رفتار مدیران در جامعه نیز از نظر فکری و عملی متفاوت است.
 - هیچکس معصوم و کامل نیست، از همین رو در انتخابات باید کسی که کمترین عیب و نقص را دارد، انتخاب کرد.
 - مهمترین معیارها: پای بندی به ارزش‌ها، اطاعت از ولی فقیه، مدیریت قابل قبول.



آرمان و واقعیت ۳



۱. اجرای صد در صد برنامه یا قانون برای رسیدن به نتیجه صد در صد مطلوب، امکان ندارد و عملی نیست.

۲. دلیل: بهترین پیامبر (محمد ص) + بهترین برنامه (قرآن) + بالاترین علم و انگیزه و تلاش و اخلاص = نتیجه: مَا أَوْذِي نَبِيٍّ مِثْلَ مَا أَوْذِيَتْ. (کشف الغمه ج ۲ ص ۵۳۷). تا امروز هم ادامه دارد؛ ما که آن علم و اخلاص و تلاش را نداریم، نتیجه روشن است!

۳. دلیل اصلی: بنای خلقت بر امتحان است: «الَّذِي خَلَقَ الْمَوْتَ وَالْحَيَاةَ لِيَبْلُوَكُمْ أَيُّكُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا» (ملک، ۲) تا آگاهانه و با اراده، راه سعادت و کمال را طی کنیم: «مَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ» (ذاریات، ۵۶). باید تمرین کنیم برای بندگی و بنده شدن. (=عمل به تکلیف)

- بنابراین اصل خلقت اینطور است؛ «گر تو نمی پسندی تغییر ده قضا را!» اگر نخواستیم باید عالم دیگری خلق کنیم که این مشکلات را



نداشته باشد!!

۴. باید راهها مختلف، و کشش‌ها متضاد باشد تا حُسن انتخاب معنا داشته باشد. بنابراین نه دین غلط است و نه پیامبر اشتباه گفته و نه قرآن نقص داشته.

۵. در برنامه ریزی‌ها آرمان‌گرا و واقع‌بین باشیم تا ناامید نشویم و فکر کنیم عمرمان تلف شده است. مراتبی از اختلاف است به ویژه در مسائل سیاسی و اجتماعی که ساعت به ساعت ممکن است وظیفه تغییر کند. چه کسی می‌تواند به همه اینها احاطه داشته باشد؟ در چند رشته می‌توان تخصص گرفت؟ با احتمال اشتباه و عدم عصمت و تفاوت فهم‌ها، اصلاً امکان پذیر نیست.

۶. وظیفه ما: شناخت قطعیات و یقینیات دینی با تقلید از مجتهد، و در مسائل سیاسی اجتماعی از رهبر جامعه: «قُلْ رَبِّ زِدْنِي عِلْمًا» (طه، ۱۱۴) - بنابراین: اختلاف و تفاوت برای قانون و برنامه و مجری (پیامبر) نیست، بلکه از ماست. تفاوت شناخت‌ها و انگیزه‌ها و خواسته‌هایی نفسانی.

۷. راه را بشناسیم، هدف را بشناسیم، آنقدر بر خود مسلط باشیم که بتوانیم بر خلاف خواسته‌مان عمل کنیم: «كُلُّكُمْ رَاعٍ وَ كُلُّكُمْ مَسْئُولٌ عَنْ رَعِيَّتِهِ» (ارشاد، ج ۱، ص ۱۸۴). وقتی خود فهمیدیم باید به دیگران بفهمانیم.

۸. باید فکر کنیم از عمری که داریم و توان و استعدادمان در کجا میتوانیم بیشترین و بهترین استفاده را به اسلام برسانیم؟
۹. یکی از مهمترین فرصت‌ها، انتخاب فردی است که ما را در تحقق اهداف و آرمان‌های اسلام و انقلاب کمک کند. در این صورت خداوند امداد می‌کند: «لَيَنْصُرَنَّ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ» (حج، ۴۰) + «وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ» (نور، ۵) + «وَأَيَّدَهُمْ بِرُوحٍ مِنْهُ» (مجادله، ۲۲) و...
۱۰. این فرد باید حداقل سه شرط داشته باشد: ۱. علم و آگاهی از اسلام و ارزش‌های آن، ۲. اطاعت از رهبر جامعه، ۳. توان مدیریتی و بصیرتی.

آرمان و واقعیت ۴

- آرمان گرایی با واقع گرایی همیشه همسو نیست. انبیاء و اولیا آرمان گرا بودند اما شرایط جامعه هیچ وقت اجازه نداد به طور کامل محقق شود. همه جای قرآن صحبت از شکست انبیا و تکذیب و تبعید و زندانی و شکنجه و شهادت انبیاست.

- معنای آرمان گرایی این نیست که همیشه یا حتی بعضی مواقع «همه آرمان‌ها» تحقق عینی پیدا کند.

- انقلاب اسلامی هم آرمان‌هایی دارد. امام خمینی (ره) ابتدا درباره هدف قیام فرمود: در درجه اول مثل حکومت امیرالمومنین (ع)، و در درجه بعد آماده کردن جامعه برای ظهور. در حالی که در جوامع قبل حتی زمان امام علی (ع) هم مشکلاتی بود.

دلیل ۱. شرایط و استعداد افراد هم مختلف است. علم، مدیریت، تقوا، و...

دلیل ۲. افراد در طول زمان مدام در معرض و دچار تغییر و تحول اند. ساعت به ساعت، روز به روز و سال به سال...

- حتی امام معصوم در اداره کشور احتیاج به فردی دارد که در یک بُعد (مدیریتی) قوی‌تر باشد. امام علی (ع)، زیاد بن ابیه را در اهواز ابقا کرد؛ اما به کمیل پستی نداد.

- بنابراین: وجود افراد چند بعدی به تعداد کافی، خیلی عالی است، ولی خدا نیافریده!! عیب و نقص نداشتن افراد در غیر معصومین (ع) محال و قوعی است؛ و وجود افرادی مانند امام و رهبری استثنائات تاریخی اند.

- حال که فرد بی عیب برای اداره امور نمی شناسیم، چه کنیم؟ دو راه داریم: ۱. رها کنیم و دست برداریم! ۲. اصلح نسبی را برای مدیریت جامعه اسلامی شناسایی کنیم. (فیش کاندید اصلح)

- «اصلح نسبی» یعنی معدل نقاط مثبت در داشتن ارزش‌های اسلامی و نداشتن نقاط ضعف گذشتگان.

- مهمترین ویژگی‌ها:

۱. پایبندی به اسلام و انقلاب اسلامی. (وصیت نامه شهدا)؛ و حداقل عدم فساد اخلاقی و مالی، تا بتواند پای ارزش‌ها بایستد.

۲. التزام و اعتقاد علمی و عملی به ولایت فقیه؛ نه شعاری و مصلحتی. چه رسد به آنکه رهبر را رقیب و مانع بداند!

- بعد از این مرحله نوبت به ملاک‌های دیگر می‌رسد که رهبری بارها بیان فرموده اند.

آرمان و واقعیت ۵

- بین وضعیت اکنون با مطلوب، یا واقعیت با آرمان و ایده آل، فاصله زیادی است.

- چه کنیم؟ سه راه داریم:

- راهکار اول: گروهی جداگانه و آرمانخواه تشکیل دهیم و از دیگران جدا زندگی کنیم! یا شهادت یا انزوا! بگوییم: کسی که مثل ما نیست از ما جدا شود.

- راهکار دوم: حالا که آرمانها محقق نمی‌شود، بی تفاوت و هم‌رنگ جماعت شویم؛ شد شد، نشد نشد!

- راهکار سوم: با توجه به شرایط برای تحقق آرمانها فعالیت کنیم. خطوط قرمز و اصول مهمه را ملاک قرار دهیم و نسبت به سایر شرایط و ملاکها، سخت‌گیری نکنیم.

- سؤال: سیره اهل بیت با کدام تشابه دارد؟ مثلاً در برابر سقیفه چه کردند؟ در حادثه کربلا چه کردند؟

- پاسخ: ظاهراً راه سوم بود. نه انزوا نه رها! اینطور نبود که علی بماند و حوضش! بلکه به خلفا مشورت هم می دادند. یعنی: به فکر این بودند که چگونه از آن شرایط برای هدف اصلی بهره برداری کنند. هر جامعه‌ای هم اولویت‌های خودش را داشت که ائمه با توجه به شرایط به آن می پرداختند.

- امام خمینی(ره)، اولاً ایده را خوب شناخت؛ اسلام فردی و اجتماعی. ثانیاً: مسیر حرکت به سمت آن را هم خوب شناخت و برای تحقق اسلام، ساختارسازی کرد(تشکیل نظام، شورای قانون اساسی، خبرگان رهبری، مجمع تشخیص مصلحت نظام، شورای نگهبان و...) مسائلی را تحمل کرد و سخت نگرفت، ولی از اصول هم نگذشت.

- ولایت بیشترین سهم و نقش را در تحقق اسلام و اهداف و آرمان‌های آن دارد. از همین رو بزرگترین فرصت و نعمت امروز، وجود رهبری عالم، باتقوا و مدیر است.

- ولایت فقیه ابزاری برای حفظ اسلام است. لذا تضعیف آن بزرگترین فساد و خیانت به اسلام است.

- آثار این نعمت در ایران و منطقه و عرصه بین الملل آشکار است.
- جذب حداکثری یعنی کسی که قائل به این مقام و شخص است، از بقیه عیوبش اغماض شود، نه اینکه طرد شود. البته باید تلاش کرد این نقص ها هم برطرف شود. باید از منافع اینگونه افراد برای تحقق اسلام و



منافع مسلمین استفاده کنیم.

- کاندیدی که هیچ نقص و کمبودی نباشد، در حکم معصوم است و ممکن نیست.

- مهمترین کارها برای تحقق جامعه ایده آل، افزایش شناخت و بصیرت نسبت به اسلام و راههای مبارزه با دشمنان است: «قُلْ رَبِّ زِدْنِي عِلْمًا» (طه، ۱۱۴)

بینش ما نباید همواره انتقادی باشد؛ چرا نشد چرا نکردند چرا... اولاً از خودمان و ضعف‌ها و کم کاری‌های خودمان. ثانیاً به گونه‌ای آرمان‌گرا و ایده‌آل‌گرا نباشیم که از واقعیت دور بیفتیم. ثالثاً خطوط اصلی و قرمز را مشخص کنیم و روابط و فعالیت‌ها و انتظارات در همان اندازه باشد.

ارزش‌های انسانی



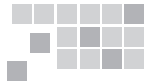
- سه اصل مهم ارزش‌های عام، عقلی و انسانی که بدون آنها زندگی اجتماعی مختل است: وفای به عهد، امانت داری، اعتماد.
- فقدان هر یک از موارد فوق موجب نقص انسانیت است. از همین رو در اسلام نیز این امور، به عنوان مهمترین نشانه‌های اسلام و ایمان دانسته شده است.

- بدون وفای به عهد و تعهد حقوقی نسبت به یکدیگر، هیچ اجتماعی حتی ازدواج شکل نمی‌گیرد. منطقی نیست که هر کس به دلخواه خود با دیگران رفتار کند. به ویژه اگر مسلمان باشد، تعهدات شرعی و اخلاقی هم اضافه می‌شود.

- «وَالَّذِينَ هُمْ لِأَمَانَاتِهِمْ وَعَهْدِهِمْ رَاعُونَ» (مومنون، ۸)

- امانت داری، از مهمترین مصادیق تعهد است.

- امام سجاده (ع): «عَلَيْكُمْ بِأَدَاءِ الْأَمَانَةِ فَوَالَّذِي بَعَثَ مُحَمَّدًا بِالْحَقِّ نَبِيًّا لَوْ أَنَّ قَاتِلَ أَبِي الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ ائْتَمَنَنِي عَلَى السَّيْفِ الَّذِي قَتَلَهُ بِهِ لَأَدَيْتُهُ إِلَيْهِ!» (بحار، ج ۷۵، ص ۱۱۴) + امام صادق (ع): «لَا تَنْظُرُوا إِلَى طُولِ رُكُوعِ الرَّجُلِ وَ سُجُودِهِ فَإِنَّ ذَلِكَ شَيْءٌ اِعْتَادَهُ فَلَوْ تَرَكَهُ اسْتَوْحَشَ لِدَلِكِ وَ لَكِنْ اُنْظُرُوا إِلَى صِدْقِ حَدِيثِهِ وَ أَدَاءِ أَمَانَتِهِ.» (الكافی، ج ۲، ص ۱۰۵)



- ارزش های فوق در رابطه با خدا:

۱. عهد با خدا: عهد و نذر و قسم: «أَلَمْ أَعْهَدْ إِلَيْكُمْ يَا بَنِي آدَمَ أَنْ لَا تَعْبُدُوا الشَّيْطَانَ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُبِينٌ وَأَنْ اعْبُدُونِي هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ» (یس، ۶۰ و ۶۱) + «فَاعْتَبِهِمْ نِفَاقًا فِي قُلُوبِهِمْ إِلَى يَوْمِ يَلْقَوْنَهُ بِمَا أَخْلَفُوا اللَّهَ مَا وَعَدُوهُ وَبِمَا كَانُوا يَكْذِبُونَ» (توبه، ۷۷) + «أَوْفُوا بِعَهْدِي أُوفِ بِعَهْدِكُمْ» (بقره، ۴۰)

۲. امانت های الهی: مادی (چشم و خیانت های چشم) و معنوی (دین، قرآن، ولایت، و...)

- وظایف ما در قبال امانات الهی:

۱. آنها را بشناسیم. (مشکل اصلی ما)

۲. آنها را حفظ کنیم و خیانت نکنیم.

- نمونه: عزاداری سیدالشهداء (ع) امانتی است از گذشتگان به ما و ما باید بی کم و کاست امانت دار برای آیندگان باشیم. اگر گذشتگان امانت دار نبودند، به ما نمی رسید.

- «إِنَّا عَرَضْنَا الْأَمَانَةَ عَلَى السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالْجِبَالِ فَأَبَيْنَ أَنْ يَحْمِلْنَهَا وَأَشْفَقْنَ مِنْهَا وَحَمَلَهَا الْإِنْسَانُ إِنَّهُ كَانَ ظَلُومًا جَهُولًا» (احزاب، ۷۲)

- اسلام و انقلاب، امانت صدها هزار شهید از سال ۴۲ تا امروز است. حفظ آن از واجب ترین واجبات است.

- یکی از راههای حفظ این امانت، شرکت در انتخابات است.

فرصت طلایی

- «إِنَّ لِرَبِّكُمْ فِي أَيَّامِ دَهْرِكُمْ نَفَحَاتٍ أَلَا فَتَعَرَّضُوا لَهَا»
(بحارالانوار، ج ۶۸، ص ۲۲۱).

- این روایت به زمان هایی اشاره دارد که می توان از آن ها حتی برای تمام عمر بهره برد؛ مانند شب قدر.

- یکی از مصادیق آن، انتخابات است که عملی لحظه ای است، اما ارزش فراوان دارد: به تعبیر مقام معظم رهبری، انتخابات، ليله القدر نظام است.

- شرکت یا عدم شرکت در این انتخاب، آثار فراوان و گاه چندین ساله برای میلیونها انسان دارد. (خوب یا بد)

- قانونی که می نویسد یا خدمتی که سالیان سال حتی تا روز قیامت باقی می ماند، به حساب ما نوشته می شود.

- بنابراین کسانی که در خرداد ۴۲ امام را همراهی کردند و فداکاری نمودند، و منشأ تغییرات اساسی در تاریخ ایران و جهان شدند، اگر نیت



الهی داشتند، تا روز ظهور امام زمان (عج) بر درجات و مراتبشان در بهشت افزوده می شود.

- نتیجه: به تکالیف سیاسی اجتماعی مانند تکالیف عبادی نگاه کنیم.
- در انتخاب کاندید دقت کنیم. البته اینکه ظرف چند سال همه مشکلات حل شود، خیال خام است کدام پیامبری چنین کرده است؟!
- مهم این است که منحنی ارزش‌های اسلامی صعودی باشد و هر روز یک قدم جلورفته باشیم.

- باید به دنبال احیا و اجرای ارزش‌های اسلام و انقلاب و امام و رهبری باشیم؛ مانند: استکبار ستیزی، مرگ بر آمریکا در برابر دوستی و مذاکره با آمریکا؛ مقاومت در برابر تسلیم؛ استقلال در برابر وابستگی، اخلاص و توکل در برابر تکیه بر دیگران؛ نصرت و یاری خدا و...

امام احیاگر اسلام ناب



- قبل از دهه چهل و قیام امام، اسلام و مسلمانی و دینداری یعنی نماز، روزه، حج، کربلا، روضه و طهارت. نهایتاً مسائلی مانند قرض الحسنه و دستگیری از ایتام و فقرا. دخالت در مسائل سیاسی ارزش منفی داشت، چه رسد که تکلیف باشد.

- احترامی که برای مراجع قائل بودند برای آیت الله کاشانی قائل نبودند؛ چون سیاسی بود. در حالی که ایشان فقیه جامع الشرایط بود.

- امام فرمود: دخالت در امور سیاسی (و سرنوشت اسلام و مسلمین) مثل نماز خواندن واجب، بلکه واجب است.

- حرکت تبیینی امام، شبیه حرکت فاطمه(س) در دفاع از ولایت و اسلام بود.

- امام خمینی تمام مسائل سیاسی اقتصادی و بین المللی را ذیل اسلام تعریف کرد و اسلام را محور کارها و اصل قرار داد. همچون سیدالشهدا(ع) که برای احیای اسلام سیاسی اجتماعی قیام کرد.



- عبادات شخصی مهم اند، اما مهمتر ابعاد اجتماعی و سیاسی اسلام است که بستر اقامه فروع دین می شود. برخلاف آنان که اهل قرآن و نماز و روزه بودند، ولی امام را هم می کشتند!

- احیای اسلام سیاسی را فقط امام خمینی انجام داد و چه خونها که برای این درخت ریخته شد.

- وظایف ما:

۱. حفظ نظام به عنوان اوجب واجبات؛ هر جا احساس آسیب کردیم دفاع کنیم.

۲. معرفی اسلام به دیگران و دنیا. (اسلام و انقلاب امانت در دستان ما هستند)

- در معرفی اسلام واقعی همه مسئولیم: حوزه، آموزش و پرورش، و دانشگاه.

- به ویژه آموزش و پرورش که مسئول تربیت نسل آینده است.

- در انتخابات مهم است که آن فرد مورد نظر (رئیس جمهور یا نماینده مجلس یا شورای شهر) علماً و عملاً ولایت فقیه را قبول داشته باشد؛ وگرنه مانند زمان امام حسن (ع) و امام حسین (ع) می شود.

- نتیجه: به کسی رای دهیم که دغدغه اسلام و ولایت را داشته باشد.

- رفع نیازهای اولیه و مادی (گرانی و تحریم و...) مهم است؛ اما نه به قیمت ذلت و دست برداشتن از ارزشها.

- احیای اسلام سیاسی را فقط امام خمینی انجام داد و چه خونها که برای این درخت ریخته شد.

- وظایف ما:

۱. حفظ نظام به عنوان اوجب واجبات؛ هر جا احساس آسیب کردیم دفاع کنیم.

۲. معرفی اسلام به دیگران و دنیا. (اسلام و انقلاب امانت در دستان ما هستند)

- در معرفی اسلام واقعی همه مسئولیم: حوزه، آموزش و پرورش، و دانشگاه.

- به ویژه آموزش و پرورش که مسئول تربیت نسل آینده است.

- در انتخابات مهم است که آن فرد مورد نظر (رئیس جمهور یا نماینده مجلس یا شورای شهر) علماً و عملاً ولایت فقیه را قبول داشته باشد؛ وگرنه مانند زمان امام حسن (ع) و امام حسین (ع) می شود.

- نتیجه: به کسی رای دهیم که دغدغه اسلام و ولایت را داشته باشد.

- رفع نیازهای اولیه و مادی (گرانی و تحریم و...) مهم است؛ اما نه به قیمت ذلت و دست برداشتن از ارزش ها.

مسئولیت پذیری

- روایت نبوی: مَنْ أَصْبَحَ لَا يَهْتَمُّ بِأُمُورِ الْمُسْلِمِينَ فَلَيْسَ بِمُسْلِمٍ (الكافي، ج ۲، ص ۱۶۳، ح ۱).
- اسلام یعنی چه؟
- اسلام راه رسیدن انسان به سعادت حقیقی در دنیا و آخرت است.
- باید‌ها و نبایدهای اسلام، تمام ساحت‌های فردی و اجتماعی و جزئیات زندگی انسان را شامل می‌شود.
- اسلام برای تمام ابعاد و اعمال و رفتار پیروان خود در رسیدن به کمال واقعی‌شان برنامه دارد.
- از بارزترین مصادیق این مسئولیت‌پذیری، انتخابات است.
- یعنی انتخاب و برگزیدن کسی که اسلام را شناخته و برای تحقق آن برنامه دارد و تلاش می‌کند.
- بالاترین مقام، ولی فقیه است که مردم به خبرگان وکالت می‌دهند تا چنین شخصی را بیابند و از او بخواهند اسلام را اجرا نماید.

- سایر کارگزاران در مراتب پایین تر مستقیماً توسط مردم انتخاب می شوند تا برنامه های اسلام و آرمان های بشری را که در قانون آمده اجرا یا شرایط اجرایش را فراهم آورند.

- نکته: به همین دلیل چون انتخاب مردم در چارچوب اسلام و برای تحقق آن آرمان هاست، آن را مردمسالاری دینی می نامیم که با انتخابات سایر کشورها تفاوت اساسی دارد.

- فقط به فکر خود بودن، فکری غیر اسلامی است. و مسلمان همانطور که باید به فکر سعادت خود باشد، باید به فکر سعادت دیگران (غیر از دشمن) هم باشد.

- دغدغه نسبت به کدام بُعد از دیگران؟ با تفسیری که از اسلام شد همه ابعاد زندگی دیگران.

- اول: نیازهای مادی و اولیه: گرسنگی و تشنگی.

- دوم: نیازهای امنیتی و رفع خطر.

- سوم نیازهای بهداشتی و زیستی و سلامتی و درمان و ...

- یک مسلمان باید در طول ۷۰ سال باید این دغدغه را داشته باشد.

- آیا نیازهای مهمتری هم هست؟ بله؛ نیازهایی که همه اینها مقدمه

تأمین آن است: یعنی دین (عقاید اخلاق احکام).

- این نیازها مهمترند چون شامل بعد از مرگ هم می شود: «وَمَا

هَذِهِ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا لَهُوٌ وَلَعِبٌ وَإِنَّ الدَّارَ الْآخِرَةَ لَهِيَ الْحَيَوَانُ لَوْ كَانُوا



يَعْلَمُونَ» (عنكبوت، ۶۴)

- _ بنابراین دسته چهارم نیازها: نیازهای ابدی هستند. اولویت در اهتمام به امور مسلمین، سعادت ابدی آنهاست.
- _ اولین گام در رفع نیازهای ابدی: شناخت دین + شناساندن به دیگران (دعوت و هدایت).
- _ نتیجه: بالاترین دغدغه باید نسبت به ارزش‌های اسلامی باشد. نسبت اهمیت آن به دیگر نیازها، مانند اهمیت و نسبت دنیا و آخرت، و نهایت و بی‌نهایت است.
- _ ارزش کار و اهمیت امام و انقلاب در این است که سالها این نیازها فراموش شده بود.
- _ انتخاب امروز ما تأثیری بیش از صدها هزار رکعت نماز شب دارد. خدمتی است به میلیون‌ها انسان؛ و البته اگر کوتاهی کنیم خسارت و عقابش هم گاه غیر قابل جبران است.

وظایف نخبگان



- انقلاب اسلامی بر اساس اسلام بنا شده است.
- و اسلام برای همه ابعاد انسان برنامه دارد. (مادی و معنوی - دنیوی و اخروی - جسمی و روحی - فرهنگی و اقتصادی و سیاسی و نظامی و...)
- در حقیقت اسلام، برنامه ای برای کمال انسان است.
- سوال: یک فعال انقلابی چه وظیفه ای دارد؟ سه فرض و حالت دارد:
 ۱. به همه ابعاد پردازد. و قتش را تقسیم کند = امکان پذیر نیست.
 ۲. گروه گروه شوند و هر گروه به یک بخش رسیدگی کنند = درست نیست.

- اگر فقط به یک جنبه یا موضوع توجه بشود، انقلاب از مسیرش منحرف می شود. مثلاً یک اقتصاددان باید معلومات اسلامی داشته باشد تا دچار انحراف نشود. و عالم دینی هم باید حد نصابی از معلومات سیاسی و فرهنگی داشته باشد وگرنه ابزار شیطان می شود و زود فریب می خورد.



۳. همه افراد حد نصابی از مشارکت در این ابعاد به خصوص فرهنگی و سیاسی داشته باشند = امکان دارد و درست است.

- بهترین حالت: نیروی انقلابی باید در یک رشته تخصص، و در ساحت‌های دیگر به قدر ضرورت بهره داشته باشد.

- لذا تاکیدات امام و رهبری بر درس یا مسائل سیاسی یا نظامی یا بین المللی، نباید موجب غفلت از سایر ابعاد شود.

- آرمان‌ها و ایده‌آل‌ها بر اساس شرایط و لیاقت جامعه تحقق می‌یابد:
 امام علی (ع): «اللَّهُمَّ إِنِّي قَدْ مَلَلْتُهُمْ وَ مَلُونِي وَ سَنِمْتُهُمْ وَ سَنِمُونِي فَأَبْدِلْنِي بِهِمْ خَيْرًا مِنْهُمْ وَ أَبْدِلْهُمْ بِي شَرًّا مِنِّي؛ خدایا، من این مردم را با پند و تذکرات مداوم خسته کردم و آنها نیز مرا خسته نمودند، آنها از من به ستوه آمده، و من از آنان به ستوه آمده، دل شکسته ام، به جای آنان افرادی بهتر به من مرحمت فرما، و به جای من بدتر از من بر آنها مسلط کن.» (نهج البلاغه، خطبه ۲۵)

اهمیت و ضرورت دعا و توسل: در فرآیند انتخابات، در کنار تحقیق و شناسایی و شناساندن، وظیفه دعا و توسل نیز داریم. برای بیماری‌های شخصی خود دعا و نذر و توسل می‌کنیم. چطور برای سرنوشت میلیون‌ها نفر بلکه دنیای اسلام، بی تفاوت باشیم؟



شش معیار اصلی برای کارگزار نظام اسلامی

- ریاست جمهوری دو بعد مدیریت و اسلامیت دارد.

- شرایط لازم در مدیریت:

۱. مدیر بودن

۲. امین بودن (تعهد اخلاقی)

۳. آگاه به مصالح جامعه بودن.

- شرایط لازم در اسلامیت:

۱. شناخت و مد نظر داشتن آرمان های اسلام و انقلاب + مجری

ارزش های اسلامی.

۲. اطاعت از ولی فقیه (قبل قانون و فوق قانون)

۳. دشمن ستیزی و استکبار ستیزی

- راههای احراز شرایط شش گانه فوق:

۱. شناخت عملکرد شخص در گذشته.

۲. شناخت طرفداران و حامیان (مثل دشمن از چه کسی حمایت می کند؟)



۳. مراجعه به افراد مورد اطمینان و امین.

نکته ۱: اگر کسی همه این شرایط را نداشت، میانگین و برتری نسبی مهم است. ضریب اسلامیت در امتیاز دهی بیشتر از تجربه یا مدیریت است.

نکته ۲: این شرایط حداقلی و حد نصاب است. اگر کسی بیش از اینها داشت، بهتر و حکم عقل انتخاب بهتر و احسن است.

اهمیت انتخابات



- انتخابات نمایشگر علاقه مردم به نظام و انقلاب است.
- انتخابات مرتبه ای از حفظ نظام است و لذا اوجب واجبات است.
- حفظ نظام با دو مرحله محقق می شود:
- مرحله اول: وجوب شرکت در انتخابات. رفتن پای صندوق رای ولو رای سفید کافی و کامل نیست.
- مرحله دوم: وجوب دادن رأی به اصلح (نیازمند تحقیق چند روز قبل است و به عنوان مقدمه واجب همه آن کارها، دارای پاداش است)
- مرحله سوم واجب سوم: وجوب معرفی به دیگران.
- از علانم کاندید اصلح:
- ۱. برخوردار از شناخت دینی.
- ۲. برخوردار از تقوا و عدالت.
- ۳. برخوردار از بصیرت سیاسی (بررسی مواضع درباره فتنه ۸۸ به



عنوان خط قرمز انقلاب اسلامی).

- راههای تشخیص اصلح (حجت شرعی نزد خدا):

۱. شناخت و یقین شخصی.

۲. تحقیق و مشورت از نزدیکان و افراد مورد اعتماد.

۳. عملکرد و سوابق فرد.

- اصل عقلی: در مواردی که فرد، شناخت شخصی و یقینی نسبت

به فردی داشته باشد، نظر و لیست دیگران حجت نیست. از همین رو

«وحدت» و «ائتلاف» تنها در جایی است که بدانیم در صورت عدم

وحدت، نه فرد صالح بلکه فرد ناشایستی و ناصالحی رأی می آورد.

معیارهای کاندید اصلح



- ایجاد و تحقق روحیه انقلابی با دو عنصر ممکن است:

۱. شناخت صحیح از اسلام

۲. اراده مقاوم و خستگی ناپذیر (عدالت و تقوا)

- تقویت و تضعیف روحیه انقلابی، بسته به این دو امر است.

- تمام مسئولین و رؤسای جمهور، نقاط ضعفی در این دو عرصه

داشتند. البته توقع خوبی مطلق، فقط از معصوم درست است.

- امام خمینی خود فرمود "سه بار اشتباه کردم". دیگران نه آن تقوای

امام را دارند، نه آن علم و شناخت و اسلام شناسی امام را.

- بنابراین در حال و آینده، رئیس جمهورهایی خواهیم داشت با

کمبودهایی کم یا زیاد!

- باید به دنبال کسی باشیم که کمترین نقص و بیشترین امتیاز را داشته

باشد؛ و او را معرفی کنیم.

- ملاک ما، تعداد آن نقائص نیست، بلکه تأثیر این نقائص در



سرنوشت انقلاب مهم است.

- برخی نقایص، مهم و غیرقابل مقایسه با دیگر نقائص است؛ مانند:

۱. سازش با دشمن.

۲. اصالت دادن به ایران به جای اسلام.

۳. گرایش های غیر دینی داشتن.

۴. اجتهاد شخصی در مقابل ولایت فقیه یا تضعیف آن.

۵. ضعف مدیریتی یا سابقه بد مدیریتی.

- مهمترین ملاک ها و نقاط مثبت یک کاندیدا:

۱. پایبندی به ارزش ها و مصالح اسلام.

۲. اطاعت از رهبری.

۳. توان مدیریتی.

شرایط کارگزاران

- انواع حکومت:

۱. حکومت به روش زورمندان و دیکتاتوران و فریبکاران: کارگزاران باید کسانی باشند که خواسته های زورمندان را تأمین کنند. با تبلیغ، با شمشیر، با هدیه، فریب و دروغ و...

۲. حکومت به روش عاقلان: ضرورت حکومت برای تأمین مصالح جامعه؛ یک سفر معمولی نیازمند همکاری و هماهنگی و توافق بر این است که یک نفر حرف آخر را بزند تا مصالح همه مسافران تأمین شود.

- شرایط کارگزار:

- قبل از هر چیز باید هدف از تشکیل حکومت را بدانیم.

- هدف: تأمین مصالح جامعه. این امر عمومی (فرازماني و فرامكاني) است و باید متصدی داشته باشد؛ مثل تأمین نیاز مردم به پزشک یا سایر مشاغل که نیاز به مقدمات و زمینه و ساختار دارد.



- وظایف حکومت چیست؟

- بسته به شرایط زمانی و مکانی متفاوت می شود. وظایف عمومی حکومت در همه جای جهان، امنیت و سلامت و رفاه عمومی مردم است.
- بنابراین شرط اول شناخت است. کارگزار باید بداند کدام مقررات را می خواهد اجرا کند.
- شرط دوم، تعهد اخلاقی (تعهد یا تقوا) است که منافع فردی را بر عمومی ترجیح ندهد.
- شرط سوم، حسن تدبیر یا مدیریت و مهارت است.
- این شرایط، حد نصاب است. اگر کسی بیش از این سه شرط داشت، بهتر. حکم عقل انتخاب اصلح است؛ فردی که منافع و مصالح جامعه را بهتر تأمین می کند.
- اگر حد نصاب نداشت، بنابر اصل تدریجی، نزدیکترین فرد به ایده آل انتخاب می شود.

آسیب شناسی رفتار انتخاباتی

- ارزش انتخابات: داشتن حق رأی = اینکه مردم نظر بدهند در حکومت، قبل از انقلاب یک رؤیا بوده؛ اما در ایران اتفاق افتاد.
- انتخاب اصلح = تکلیف بر اساس شاخصه های رهبری.
- آسیب های انتخاباتی: همانطور که باید غذای سالم بخوریم، باید از غذای مسموم هم پرهیز کنیم.
- مبانی تصمیم گیری:
 ۱. شناخت. ۲. انگیزه و خواست ها: ممکن است علم باشد اما خواسته ها بر خلاف آن باشد (سیگار کشیدن در عین آگاهی به مضرات آن). اینگونه رفتارها بر اساس عادت یا رودربایستی یا میل و... است، نه شناخت. نمونه های تاریخی زیاد است. افرادی به ظاهر عاقل در سیاست، اما تحت تأثیر عوامل مختلفی از میل ها و محبت ها.
 - تکلیف اصلی ما = مبارزه با محبت ها و تشخیص بر اساس شناخت ها.



- این محبت ها، موجب غفلت از سایر ابعاد و ویژگی ها می شود و در انتخاب انسان اثر می گذارد: «حب الشیء یعمی و یصم».
- باید همه ویژگی ها و مزایای لازم مد نظر باشد (مجموع عیوب و امتیازات) و بعد معدل گیری شود.
- انواع آسیب ها:
۱. مربوط به شخص کانیدیدا: غفلت از ایرادات و روحیات فردی؛ به خصوص برخی ویژگی های شخصیتی که دیگر ویژگی ها را تحت تأثیر قرار می دهد: تکبر، بد اخلاقی، غرور، که موجب استبداد رأی می شود.
 ۲. مربوط به رأی دهندگان: ضعف شناختی و ضعف گرایشی.
 ۳. مربوط به رسانه ها: واسطه هایی که نسبت به زندگی شخصی و اجتماعی کانیدیدها ضعف شناختی یا انگیزه های ناسالم دارند. راهکار: اخبار نزدیکان.

خطر انحراف



- «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّبِعُوا خُطْوَاتِ الشَّيْطَانِ وَمَنْ يَتَّبِعْ خُطْوَاتِ الشَّيْطَانِ فَإِنَّهُ يَأْمُرُ بِالْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ» (نور، ۲۱)

- انحراف و سقوط انسان توسط شیطان و هوای نفس آرام و تدریجی است. تعبیر قرآن «خطوات» است نه «خطوه». بدعاقبتی های صدر اسلام تاکنون، از همین گام های کوچک شیطانی شروع شده است: «ثُمَّ كَانَ عَاقِبَةَ الَّذِينَ أَسَاءُوا السَّوْأَىٰ أَنْ كَذَّبُوا بِآيَاتِ اللَّهِ وَكَانُوا بِهَا يَسْتَهْزِئُونَ» (روم، ۱۰)

- راه نجات: صبر و استقامت بر ایمان (افزایش و تثبیت علم + تقویت انگیزه): «فَاسْتَقِمْ كَمَا أُمِرْتَ وَمَنْ تَابَ مَعَكَ» (هود، ۱۱۲) + «وَ اسْتَقِمْ كَمَا أُمِرْتَ وَ لَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَهُمْ» (شوری، ۱۵) + «فَاصْبِرْ كَمَا صَبَرَ أُولُو الْعِزْمِ مِنَ الرُّسُلِ» (احقاف، ۳۵) + «إِنْ تَصْبِرُوا وَتَتَّقُوا لَا يَضْرِبْكُمْ كَيْدُهُمْ شَيْئًا» (آل عمران، ۱۲۰) + «إِنْ تَصْبِرُوا وَتَتَّقُوا وَ يَأْتِوكُمْ مِنْ فَوْرِهِمْ هَذَا يُمْدِدْكُمْ رَبُّكُمْ بِخَمْسَةِ آلَافٍ مِنَ الْمَلَائِكَةِ مُسَوِّمِينَ» (آل عمران، ۱۲۵) +



«إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا تَتَنَزَّلُ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ أَلَّا تَخَافُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَبْشِرُوا بِالْجَنَّةِ الَّتِي كُنتُمْ تُوعَدُونَ» (فصلت، ۳۰) و...
- راهکار جمعی:

۱. توامی به حق و صبر: إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَتَوَاصَوْا بِالْحَقِّ وَتَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ (عصر، ۳)
۲. امر به معروف و نهی از منکر.
۳. محاسبه و مراقبه دائمی.

- صبر و تقوا: با دین شوخی نکنیم. گناهی را کوچک نشماریم. نگوییم داریم فعالیت سیاسی یا مذهبی می کنیم؛ حالا نگاه به نامحرم مهم نیست یا نماز قضا شد طوری نیست.

- صبر و تقوا در انتخاب فرد اصلح برای تصدی امور کشور مهم است.
- لوازم انتخاب راه صحیح و تقویت آن:

۱. شناخت = نسبت به دین (عقاید اخلاق احکام) + مباحث بصیرتی
مثل دشمن شناسی و مشکلات و مسائل روز. اما کافی نیست و عامل حرکت نمی شود.

۲. انگیزه = (عاطفه و محبت): میل ها و انگیزه ها و...

- عقل و شناخت: به منزله چراغ ماشین هستند. انسان با عقل راه را می بیند، اما انگیزه حرکت ندارد. احساس و عواطف، به منزله موتور محرکه ماشین است. عقل راه را باز می کند، احساس انسان را به حرکت در می آورد.

- نقش هیئات مذهبی:

- سخنرانی جنبه شناخت و چراغ راه دارد و مداحی و روضه جنبه احساس و موتور محرکه دارد. هر دو برای پیمودن مسیر لازم است.
- هیچ جای دنیا و هیچ مکتبی و مذهبی چنین سرمایه ای ندارد، اما شیطان می تواند همین نعمت را از راه قمه زنی، لعن علنی و... تبدیل به نعمت کند.



راه نجات از انحراف

- راه تکامل از اراده آزاد و اختیار انسان می گذرد.

- تاریخ انبیا نشان از مقاومت و مخالفت اکثر مردم می دهد: «وَمَا كَانَ أَكْثَرُهُمْ مُؤْمِنِينَ». (شعرا، ۱۲۱) البته آنانی هم که ایمان می آوردند، مراتب مختلفی داشته اند: «وَمَا يُؤْمِنُ أَكْثَرُهُمْ بِاللَّهِ إِلَّا وَهُمْ مُشْرِكُونَ» (یوسف، ۱۰۶) - نتیجه: نباید انتظار داشت یک جامعه همگی در یک سطح تسلیم خدا و انبیای او باشند. مراتب فهم و ایمان و معرفت متفاوت است و نیز مراتب تأثیر هوای نفس و وسوسه های شیطان.

- نمونه ها: همسران پیامبر (ص)، یاران امام حسین (ع)، یاران امام خمینی (ره).
- سرنوشت یاران امام در هواپیمای پاریس (پرواز سال ۵۷) خواندنی است: بنی صدر، سید محمد خاتمی، حسن روحانی، قطب زاده، ابراهیم یزدی، حسن حبیبی، مهدی عراقی، مرتضی مطهری، آیت الله منتظری و محمد منتظری، محسن سازگارا، محتشمی پور، هادی غفاری، موسوی خوئینی ها، سید حسین خمینی، سید احمد خمینی.

نتیجه ۱: هیچ جمعیت شبیه معصوم یکجا جمع نمی شوند که بخواهند اوامر ولی را اطاعت کنند.

نتیجه ۲: ما نباید توقع کنیم همه در مقابل ولی فقیه یکسان عمل کنند.

- چه باید کرد؟

۱. رها کنیم و هرکس شد شد.

۲. سخت بگیریم و منتظر امام زمان (عج) باشیم و هیچ انتخابی نکنیم.

۳. به قدر مقدور عمل کنیم. (آنها که بیشترین مراتب معرفت و ایمان

و پایداری بر اصول انقلاب را دارند، ارتباط داشته و انتخاب کنیم.)

- چه کنیم منحرف نشویم؟ چه کنیم به نسل آینده برسانیم و دایره

جبهه خودی را گسترش بدهیم؟

- دو اقدام اصلی لازم است:

۱. اقدام شناختی.

۲. اقدام عاطفی.

- تجربه نشان داده: آنچه عامل موفقیت و پیشرفت انقلاب بوده است،

وجود ولایت فقیه و التزام و اطاعت عملی از او به عنوان جانشین امام

زمان (ع) بوده است؛ هر جا اطاعت نکردیم، ضربه خورده ایم.

- دشمنان این عنصر را شناختند و بر آن تمرکز کردند.. ولایت فقیه

را از منظر تاریخی، سیاسی، دینی و عقلی باید بیشتر شناخت. پذیرش

و حفظ این اصل یعنی پذیرش اصل توحید، نبوت و امامت؛ یعنی با آن،

دیگر اصول هم حفظ می شود.



کشاندن مردم به صحنه‌ی مبارزه باید با جهت‌دهی دقیق و با توان‌بخشی معرفتی باشد. ... شما که وسط میدان ایستاده‌اید و مردم را دعوت می‌کنید، هدف‌تان باید مشخص باشد، دقیق باشد. هدف‌های دست‌دوّم، هدف‌های فرعی، مورد‌توجّه نیست. هدف عبارت است از حاکمیت اسلام، عزّت ملی، صلاح کامل ملت ایران، اعتلای ملت ایران و مقابله‌ی با استکبار؛ هدف اینها است.

بیانات در دیدار با مردم قم - ۱۹ دی ۱۴۰۲